



## Revealing the Intertextual Relationships and Rhetorical Styles of the Fadak Sermon with a Focus on the Perspective of the Supreme Leader \*

Mohsen Khoshfar<sup>1</sup> and Ehteram al-Sadat Mousavizadeh<sup>2</sup> and Seyyed Karim Khoubbin

Khoshnazar<sup>3</sup>



### Abstract

One of the symbols of Fatimiyya-Studies is the comprehension of sciences and knowledge left as a legacy by Lady Fatimah, which, like the profound words of the Prophet (PBUH) and the narrations of the infallible Imams (AS), serves as a guiding light for humanity. These truths originate from the eternal source of revelation and ultimately eloquence and rhetoric, the exposition of which holds significant importance. In this article, the intertextual relationships and rhetorical styles of the speech of Lady Fatimah (SA) in the Fadak Sermon are evaluated with a reliance on the perspective of the Supreme Leader. From the perspective of the Leader, this sermon, in terms of artistic beauty, resembles the most beautiful expressions of Nahj al-Balaghah (The Peak of Eloquence), and its revolutionary nature stems from the lessons of Lady Fatimah's Fadak Sermon, in which she refers to the factors for its continuity. Based on the information obtained from this study, it became evident that rhetorical devices such as rhyme, pun (jinas), simile, allusion, metaphor, analogy, citation, etc., in the speech of Lady Fatimah, have been employed to strengthen meaning, create enthusiasm and motivation in the audience to listen to all the words, enhance clarity of meanings, empower speech, evoke emotions, and enhance the beauty and eloquence of speech for greater impact on the audience. In general, Lady Fatimah has used these rhetorical styles to explain the subject and create the necessary motivation in the audience. In examining the intertextual relationships; associative synthesis, complete substantive citation, partial citation, stylistic association, complete thematic or universal negation, partial citation, and parallel negation were discovered. The research method is descriptive-analytical, aiming to reveal the intertextual relationships and rhetorical styles of the sermon with a focus on the perspective of the Supreme Leader.

**Keywords:** Lady Fatimah (S.A.), Supreme Leader, Intertextual Relationships, Rhetorical Styles, Fadak Sermon.

---

\*. Date of receiving: 03/08/2023, Date of approval: 23/01/2024.

1. Assistant Professor, Hadith Department, Al-Mustafa International University, Qom, Iran: Mohsenkhusfar@yahoo.com.

2. Level 4 Student, Comparative Quranic Studies, Research Center for Interdisciplinary Studies in Islamic Humanities, Fatemeh al-Zahra, Isfahan, Iran (Corresponding Author): shaaban.mosavi@gmail.com.

3. Assistant Professor, Department of Quranic Exegesis and Sciences, University of Quranic Sciences and Teachings: Karimkhoubbin@quran.ac.ir.



## کشف روابط بینامتنی و اسالیب بلاغی خطبه فدکیه با تکیه بر دیدگاه مقام معظم رهبری \*

محسن خوش‌فر<sup>۱</sup> و احترام السادات موسوی‌زاده<sup>۲</sup> و سید کریم خوب بین خوش‌نظر<sup>۳</sup>



### چکیده

یکی از نمادهای فاطمه‌شناسی، درک علوم و معارفی است که از آن حضرت به یادگار مانده است و همانند کلمات گهربار پیامبر ﷺ و سخنان امامان معصومین  برای انسان‌ها رهگشا است. این حقایق نشأت‌گرفته از سرچشمه لایزال وحی و در نهایت فصاحت و بلاغت است که تبیین آن از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. در جستار حاضر، روابط بینامتنی و اسالیب بلاغی کلام حضرت زهرا(س) در خطبه فدکیه با تکیه بر دیدگاه مقام معظم رهبری مورد ارزیابی قرار گرفته است. از دیدگاه رهبری، خطبه مذکور از لحاظ زیبایی هنری، مثل زیباترین عبارات نهج البلاغه است و انقلابی ماندن از درس‌های خطبه فدکیه حضرت زهرا(س) است که در این فرازاها حضرت به عوامل تداوم آن اشاره می‌کنند. بر مبنای اطلاعات به‌دست آمده از این بررسی مشخص گردید که اسالیب بلاغی همچون سجع، جناس، مراعات نظیر، کنایه، استعاره، تشبیه، اقتباس، و... در کلام حضرت، با اهداف تقویت معنا و ایجاد اشتیاق و انگیزه در مخاطب برای شنیدن تمامی کلام، بالا بردن وضوح معانی، توان بخشیدن به کلام و برانگیختن احساسات و بالا بردن زیبایی و خرمی سخن برای تأثیر گذاری بیشتر کلام بر مخاطبان به خدمت گرفته شده است. به‌طور کلی آن حضرت این اسالیب را برای تبیین موضوع و ایجاد انگیزه لازم در مخاطب، به کار برده‌اند. در بررسی روابط بین‌متنی؛ تناص امتصاصی، اقتباسی کامل منحص، اقتباس جزئی، تناص اسلوبی، کامل محور یا نفی کلی، اقتباس جزئی و نفی متوازی کشف شدند. روش پژوهش به‌صورت توصیفی تحلیلی در صدد کشف روابط بینامتنی و اسالیب بلاغی خطبه با تکیه بر دیدگاه مقام معظم رهبری بر آمده است.

واژگان کلیدی: حضرت زهرا(س)، مقام معظم رهبری، روابط بینامتنی، اسالیب بلاغی، خطبه فدکیه.

\* تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۵/۱۲ و تاریخ تأیید: ۱۴۰۲/۱۱/۰۲.

۱. استادیار گروه علوم حدیث جامعة المصطفی ص العالمية، قم. ایران: Mohsenkhosfar@yahoo.com.

۲. طلبه سطح ۴ رشته تفسیر تطبیقی مرکز پژوهشی مطالعات بین رشته‌ای علوم انسانی اسلامی فاطمه الزهرا اصفهان. ایران (نویسنده

مسئول): shaaban.mosavi@gmail.com.

۳. استادیار گروه تفسیر و علوم قرآن دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم. ایران: khoshnazar@quran.ac.ir.



## مقدمه

برای ارشاد، هدایت و به کمال رسیدن مردم در اقصی نقاط جهان، راه‌های گوناگونی وجود دارد که از آن جمله می‌توان به الگوها و اُسوه‌های رفتاری اشاره کرد. دین اسلام در این زمینه چهره‌ها و انسان‌های کاملی را به‌عنوان الگوی رفتاری به بشر معرفی نموده است. یکی از آن الگوهای بی‌نظیر تاریخ، وجود مبارک حضرت زهرا علیها السلام می‌باشد که دارای مدال افتخار دختر نبوت، همسر و مادر امامت، و برترین بانوی جهان هستند. حضرت فاطمه زهرا علیها السلام به‌عنوان یگانه بانوی معصوم عالم آفرینش و تنها یادگار حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله، دارای جایگاهی ممتاز و شخصیتی بی‌بدیل در تاریخ بشریت، خاصه در تاریخ اسلام است. آیات عدیده قرآنی؛ نظیر آیه مباحله، آیه تطهیر و روایات متعدّد صادر شده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله و امیر مؤمنان علی علیه السلام در کتب شیعه و تجلیل مقام بلند مرتبه آن حضرت در منابع اهل سنت، شواهدی بر منزلت بی‌شائبه ایشان است.

ایشان آزادی و آزادگی را به شیعیان آموخت و با ولایتمداری تام و تمام از یک سو، و با بیانی کوبنده از سوی دیگر، با خلیفه جور زمان خویش جنگید. این بانوی بزرگوار، افزون بر گفتار منطقی و سرشار از مبانی معرفتی و علمی، به گاه فریاد بر جور و استبداد، هیبتی الهی داشت. ایشان جوانی با همه کمالات انسانی و بانویی با بالاترین شایستگی‌های ممکن بود. با این وصف شخصیت حقیقی و حقوقی ایشان و گفتار سرشار از حکمت و معرفت ایشان یک منشور جامع و فراگیر برای زندگی و سعادت بشر و تقرّب الی الله است.

یکی از امتیازات حضرت زهرا علیها السلام، بلاغت و فصاحت کلام وی است که در گفتار و خطب این بانوی فرزانه؛ به ویژه در خطبه‌های سیاسی وی به وضوح دیده می‌شود. این خطبه‌ها به قدری از نظر بلاغی محکم و زیباست که عقل حکیمان و خردمندان از ادراک کُنه و رسیدن به دقایق آن ناتوان است و چگونه چنین نباشد در حالی که این کلام از زبان عصمت الهیه سرزده، از مشکاة و جایگاه مشعل نبوت مصطفویّه درخشیده، از گنجینه اسرار مرتضویّه جلوه‌گری کرده، از گلستان زهرای مرضیه شکوفا گشته و از چشمه سار حکمت ربّانیه جوشیده است. وجود سرشار از حکمت و معرفت زهرا علیها السلام؛ همچون اقیانوس بی‌کرانه‌ای است که همه اهل عالم می‌توانند از آن بهره ببرند و مسیر یک زندگی سعادت‌مندانه دنیوی و اخروی را برای خود رقم زنند.

از طرفی امروزه توجه به نظریه تناص یا بینامتنی اجتناب‌ناپذیر و ضروری است. نظریه تناص و بینامتنی به‌عنوان یک امر حتمی برای هر امری است و هیچ متنی از این نظریه مستثنا نیست. از جمله آثاری که به شکل واضحی این نظریه را نمودار کرده است، خطبه فدکیه بوده که حضرت زهرا علیها السلام در آن

شرایط سیاسی جامعه در خطبه قراء خود از آیات زیادی اقتباس داشته‌اند. در این رابطه فتحیه فتاحی زاده و فرشته معتمد لنگرودی مقاله‌ای با عنوان «روابط بینامتنی خطبه فدک با قرآن کریم» نگاشته‌اند که به انواع مختلف روابط بینامتنی خطبه فدک حضرت زهرا<sup>علیها السلام</sup> با قرآن کریم می‌پردازد و انواع روابط بینامتنی ساختاری را تبیین می‌نماید. این پژوهش در پی مکشوف نمودن پارهای از روابط بین‌متنی و اسالیب بلاغی در فرازهایی از خطبه فدکیه با تکیه بر دیدگاه مقام معظم رهبری بوده که در حد خود کاری نو و جدید است.

### الف. دیدگاه رهبری در مورد خطبه فدکیه

مقام معظم رهبری در مورد خطبه فدکیه می‌فرماید:

خطبه‌ای است که به گفته علامه مجلسی، بزرگان فصحا و بلغا باید بنشینند کلمات و عبارات آن را معنا کنند. اینقدر پر مغز است، از لحاظ زیبایی هنری، مثل زیباترین و بلندترین کلمات نهج البلاغه است. فاطمه زهرا<sup>علیها السلام</sup> در مسجد مدینه می‌رود، در مقابل مردم می‌ایستد و حرف می‌زند، شاید یک ساعت، با بهترین و زیباترین عبارات و گزیده‌ترین معانی صحبت کرده است. (بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار جمعی از مداحان، ۷۱/۶/۲۵). با یک دید واقع‌بین و منطقی، بشریت مرهون فاطمه زهرا<sup>علیها السلام</sup> است و این گزاف نیست؛ حقیقتی است. همچنان که بشریت مرهون اسلام، مرهون قرآن، مرهون تعلیمات انبیا و پیامبر خاتم<sup>صلی الله علیه و آله</sup> است. در همیشه تاریخ این‌طور بوده، امروز هم همین‌طور است. باید هر حرف و کلمه و هر اشاره‌ای در زندگی این بزرگوار [فاطمه<sup>علیها السلام</sup>] سرمشق باشد. به محبت دورادور و احساس محبت اکتفا نکرد و این احساس را در زندگی پیاده نمود. (همان، ۱۳۶۹/۱۰/۱۷).

از جمله درس‌های خطبه فدکیه حضرت زهرا<sup>علیها السلام</sup>، تداوم انقلابی ماندن و بیان علت عقب‌رفت از پیشبرد انقلاب در خطاب به انصار است که در مرحله‌ای از پیشگامان انقلاب نبوی<sup>صلی الله علیه و آله</sup> بودند. حضرت زهرا<sup>علیها السلام</sup> در بخشی از خطبه فدکیه خطاب به انصار نهیب می‌زند:

«ألا قد أرى أن قد أخذتم إلى الخفض»؛ آگاه باشید که می‌بینم سست شده‌اید، به رفاه و تن‌آسایی دل بسته‌اید. «و أبعثتم من هو أحقُّ بالوسط والقبض»؛ و دور شدید از کسی که به زمامداری احق است. «و خلوتكم بالدَّعة»؛ با راحتی و رفاه خلوت کردید. «و نجوتم من الضيق بالسَّعة»؛ از سختی‌هایی که لازمه یک زندگی دینی است، به رفاه و راحتی سقوط کردید.

در این فرازها حضرت به نکته‌ای برای حفظ قیام و انقلابی ماندن اشاره می‌کنند که ریشه همه کندی‌ها و کاهلی‌هاست؛ و آن سقوط به دره رفاه و تن‌آسایی است. در مقدمات این خطبه یکپارچه



حکمت و معرفت از زبان آن بزرگوار در فضا منتشر شده است. در آنچنان موقعیتی که بحث تعلیم نبود، خطاب مربوط به علم و معرفت نبود؛ در واقع یک محاجه سیاسی بود. (همان، ۱۳۷۱/۹/۲۵). حضرت فاطمه علیها السلام در خطبه عمیق فدکیه، خطر ارتجاع را گوشزد کرده و ارتجاع را عامل بسیاری از مصائب می‌داند؛ بنابراین همه باید مراقب این خطر باشند. (خمینی، ۱۳۹۶/۱۲/۳، آخرین شب مراسم عزاداری حضرت فاطمه زهرا (سلام‌الله‌علیها) در حسینیه امام خمینی). در این خطبه مبارکه، معارف الهی و اسلامی ذکر شده است؛ از سوی دیگر، زندگی آن بزرگوار مشحون است به مجاهدت؛ مثل یک سرباز فداکار در عرصه‌های مختلف، حضور فعال و مؤثر دارد. (خامنه‌ای، ۱۳۸۹/۳/۱، بیانات در دیدار جمعی از مداحان).

## ب. مفهوم‌شناسی

از مواردی که در این بخش باید به آن پرداخته شود، مفهوم بینامتنی و قواعد بینامتنی است.

### ۱. بینامتنی

بینامتنی به معنای روابط و کنش‌ها در بستر متن، از پدیده‌هایی است که معمولاً در متن‌های ادبی به کار گرفته می‌شود. بر اساس این نظریه، هر متنی ناگزیر با متن‌های دیگر کنش‌های دو سویه دارد تا به صورت متن ادبی جدید ظاهر شود. با اینکه هر متن بیشتر از تجربه خالق آن بهره می‌برد، اما ارتباط‌های بین الملل متنی نیز به صورت خودآگاه یا ناخودآگاه بر آن تأثیر گذار است. بنابراین، بینامتنی عبارت است از ایجاد رابطه‌ای اثربخش میان متن پیش‌نوشته و متن موجود، در ضمن برای آفرینش متن جدید (مرتاض، ۱۹۹۱: ۷۵). از این رو، بر اساس این نظریه، هر متنی زائیده‌ای از متون گذشته و معاصر آن متن به گونه‌ای که متن تازه خلاص‌های از متون متعددی است که مرزهای آنها از میان رفته و سبک و سیاق تازه پیدا کرده و چیزی جز ماده اولیه از متون گذشته باقی نمانده است. این درهم تنیدگی به گونه‌ای است که متن اصلی در متن جدید پنهان شده و تنها اهل فن قادر به دریافت آن خواهند بود (عزام، ۲۰۰۱: ۲۹).

بینامتنیت یا التناص در لغت به معنای تجمع و ازدحام است. (زبیدی، بی‌تا، ماده نص) و بر ظهور، بالا رفتن و انباشتن نیز دلالت دارد. (ابن منظور، ۱۹۸۸، ماده نص). مفهوم بینامتنیت برای نخستین بار توسط اندیشمند روسی «میخائیل باختین» در کتاب فلسفه زبان مطرح شد. باختین بینامتنیت را چنین تعریف کرد: بررسی و اطلاع از حقیقت تاثیر و تاثر میان متون در تعامل با متون پیش از خود (بتیس، ۱۹۹۷: ۱۸۳).

کریستوا معتقد بود که هر متنی از نقل قول‌ها ساخته می‌شود و به منزله جذب و دگرگون سازی متن دیگر است (کریستوا، ۱۳۸۱، ۴۱). این گفته کریستوا که هر متنی برگرفته و تحولی از بسیاری از متون دیگر است، دو اصطلاح «متن حاضر و غایب» را وارد مباحث بینامتنی کرد. متن موجود را متن حاضر، و متونی که با متن حاضر تعامل داشته متن غائب نامیده شده نامیده‌اند (موسی، ۲۰۰۰، ۵۲). محمد بنیس منتقد ادبی معاصر عرب نیز متن حاضر را ساختاری زبانی می‌داند که با متون دیگری در پیوند است و این متون، متن‌های غایب نامیده می‌شود. به اعتقاد او هر متنی چون شبکه‌ای است که در برگزیده متون دیگری است و این متون چنان با هم در تنیده‌اند که تشخیص آن متون از متن حاضر ممکن نیست. بینامتنی دارای سه رکن است:

متن حاضر که از آن به متن لاحق یا متن موجود نیز تعبیر می‌شود؛

متن غایب که متن سابق یا متن مفقود نیز نامیده می‌شود.

روابط بینامتنی که نحوه تعامل متن حاضر و متن غایب و چگونگی ارتباط آنها را بازگو می‌کند (جمعه، ۲۰۰۳: ۱۶۸).

## ۲. قواعد بینامتنی

متن پنهان در متن حاضر به صورت قواعدی عمل می‌کند که از آن به عنوان قواعد سه گانه بینامتنیت یاد کرده‌اند. عملیات بینامتنی (تناس) به بررسی روابط موجود بین متون و تعیین انواع روابط گفته می‌شود. نفی کلی؛ شاعر یا نویسنده یک مقطعی از متن غائب را در متن خود همراه با تغییر معنا می‌آورد. در نفی متوازی؛ معنای مقطعی متن همان است؛ ولی همراه با ابداع از طرف شاعر یا نویسنده است. نفی جزئی؛ در این نوع روابط بینامتنی، جزء کوچکی از متن غایب در متن حاضر شکل می‌گیرد.

### قانون اجترار یا نفی جزئی

اجترار از ریشه (جرّ، یجرّ، جرّاً) و از باب افتعال است. در لغت به معنای کشیدن و جمع کردن می‌باشد و در اصطلاح نوعی از روابط بینامتنی است که مولف در آن جزئی از متن غلیب را در اثر خویش می‌آورد و متن حاضر ادامه متن غایب می‌باشد و در آن کمتر شاهد نوآوری از سوی مولف می‌باشیم (عزام، ۲۰۰۵: ۱۱۶). این قانون آسان‌ترین و سطحی‌ترین نوع روابط بینامتنی می‌باشد که استفاده مولف از متن غایب می‌تواند یک کلمه یا یک جمله یا حتی یک حرف باشد.



### قانون امتصاص یا نفی متوازی

امتصاص از ریشه (مَصَّ يَمِصُّ مَصًّا) و از باب افتعال است. در لغت به معنای مکیدن و جذب کردن می‌باشد و در اصطلاح به نوعی از روابط بینامتنی اطلاق می‌شود که در آن مولف متن غایب را می‌پذیرد و به گونه‌ای در متن حاضر به کار می‌برد که جوهره آن تغییر نمی‌کند. (الموسی، ۲۰۰۰: ۵۵)  
این نوع از نوع پیشین سطحی بالاتر دارد که با اندکی نوآوری از سوی مولف همراه می‌باشد.

### قانون حواری کلی یا نفی کلی

حوار از ریشه حار یحور و از باب مفاعله (حاور یحاور محاوره) است. در لغت به معنای پاسخ دادن و در اصطلاح نوعی از روابط بینامتنی است که در بین آنها بالاترین صحت را داراست و نیاز به خوانشی عمیق و مکرر دارد. بدین گونه که مولف متن غایب را در متن خود به شکلی به کار می‌گیرد که معنای آن به کلی متفاوت می‌گردد (عبدالله، ۲۰۰۵: ۳۷). به عبارت دیگر، مولف متن غایب را بازآفرینی کرده و ابتکار و نوآوری خویش را به نمایش می‌گذارد. در این نوع، نیاز به آگاهی دقیق از متون غایب مهمترین اصل می‌باشد. بر این اساس، این قانون بالاترین درجه بینامتنی در میان قوانین سه‌گانه بینامتنی است (الموسی، ۲۰۰۰: ۵۵). این سه نوع رابطه بین متن پنهان و متن حاضر، مهمترین بخش بینامتنی است که عملیات بینامتنی آن را طبیعی می‌کند.

### ۳. فراز منتخب خطبه فدکیه

«تَوَافِيكُمُ الدَّعْوَةُ فَلَا تُجِيبُونَ، وَ تَأْتِيكُمُ الصَّرْحَةُ فَلَا تُغَيِّشُونَ، وَ أَنْتُمْ مَوْصُوفُونَ بِالْكَفَاحِ، مَعْرُوفُونَ بِالْخَيْرِ وَ الصَّلَاحِ، وَ النَّجْبَةِ الَّتِي أَنْتَجِبْتُمْ، وَ الْخَيْرَةِ الَّتِي اخْتَبَرْتُمْ قَاتِلْتُمْ الْعَرَبَ، وَ تَحَمَّلْتُمْ الْكَدَّ وَ التَّعَبَ، وَ نَاطَحْتُمْ الْأُمَّمَ، وَ كَافَحْتُمْ الْبُهَمَ، فَلَا تَبْرُحُ أَوْ تَبْرُحُونَ، نَأْمُرُكُمْ فَنَتَأْتِمُزُونَ، حَتَّى إِذَا دَارَتْ بِنَا رَحَى الْإِسْلَامِ، وَ دَرَّ حَلَبُ الْأَيَّامِ، وَ خَضَعَتْ نَعْرَةُ الشَّرِكِ، وَ سَكَنْتْ فُوزَةُ الْإِفْكِ، وَ حَمَدَتْ نِيزَانَ الْكُفْرِ، وَ هَدَّاتْ دَعْوَةَ الْهَرَجِ، وَ اسْتَوْسَقَ نِظَامُ الدِّينِ، فَأَتَى حُرُومُ بَعْدَ التَّبْيَانِ، وَ أَسْرَزْتُمْ بَعْدَ الْإِعْلَانِ، وَ نَكَضْتُمْ بَعْدَ الْإِقْدَامِ، وَ أَشْرَكْتُمْ بَعْدَ الْإِيمَانِ أَلَّا تُقَاتِلُونَ قَوْمًا نَكْتُوا أَيْمَانَهُمْ وَ هُمَا يَأْخُرَا جِ رَاسُ الْوَسْوَاسِ وَ هُمْ بَدُّوكُمْ أَوَّلَ مَرَّةٍ أَنْتَحَشُوا مِنْهُمْ فَاللَّهُ أَحَقُّ أَنْ تَحْشَوْهُ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ» (مجلسی، ۱۳۸۴: ۲۲۹/۲۹).

### لغت‌شناسی

تَوَافَى: وَافَى فَلَانًا: فَاجَأَهُ. وَالْقَوْمَ: أَتَاهُمْ. وَالْعَامَ: حَجَّ. وَالْمَوْتُ أَوْ الْكِتَابُ فَلَانًا: أَدْرَكَهُ (همان، ماده: و ف ی) تَوَافَى: می‌آید، (حق کسی را) به‌طور کامل می‌دهد.

الكِفَاح: كَافَحَ الْقَوْمُ أَغْدَاءَهُمْ: اسْتَقْبَلُوهُمْ فِي الْحَرْبِ بِوُجُوهِهِمْ لَيْسَ دُونَهَا تُرْسٌ وَلَا غَيْرُهُ (الوسيط،  
 ماده: ك ف ح) الكِفَاح: نبرد، مبارزه رویارو.

نَاطِحْتُمْ: نَاطِحُهُ مَنَاطِحَةٌ، وَنَاطِحًا: نَطَحَ كُلُّ مَنِهَا الْآخَرَ. وَغَالِبُهُ فِي الْمَنَاطِحِ. وَيُقَالُ: نَاطَحَ فُلَانٌ  
 فَلَانًا: نَازَلَهُ وَقَاومَهُ (الوسيط، ماده: ن ط ح) نَاطِحْتُمْ: رو در رو و شاخ به شاخ شدید.

لَا تَبْرُحُ: بَرِحَ بَرِحًا، وَبَرَا حًا وَبُرُوحًا: زَالَ. وَيُقَالُ: فِي الْإِسْتِمْرَارِ: مَا بَرِحَ يَفْعَلُ كَذَا. وَصَارَ فِي الْبَرَاكِ.  
 وَيُقَالُ: بَرِحَ الْخَفَاءُ: وَضَحَ الْأَمْرُ، وَزَالَتْ خُفْيَتُهُ، وَمَكَانُهُ: زَالَ عَنْهُ وَغَادَرَهُ. فَهُوَ بَارِحٌ (الوسيط، ماده: ب ر  
 ح) لَا تَبْرُحُ: کماکان، همچنان.

الرَّحَى: الْأَدَاةُ الَّتِي يَطْحَنُ بِهَا، وَهِيَ حِجْرَانُ مُسْتَدِيرَانِ يَوْضَعُ أَحَدُهُمَا عَلَى الْآخَرِ وَيَدَارُ الْأَعْلَى  
 عَلَى قُطْبٍ. (ج): أَرْحَ، أَرْحَاءً، رُحَى وَرُحِيَّةً (الوسيط؛ الرائد؛ ماده: ر ح ي) الرَّحَى: آسياب، سنگ  
 آسياب.

النَّعْرَةُ: نَعَرَ يَنْعَرُ نَعْرًا، وَنَعِيرًا، وَنَعَارًا: صَاحَ وَصَوَّتَ بِخَيْشُومِهِ. النَّعْرَةُ وَالتُّعْرَةُ: النَّعْرَةُ: الْخَيْشُومُ (همان،  
 ماده: ن ع ر) النَّعْرَةُ: خيشوم، بن بینی. (الرائد)

اسْتَوْسَقَ: اسْتَوْسَقَتِ الْإِبِلُ: اجْتَمَعَتْ وَانْضَمَّتْ (العين، ماده: و س ق) اسْتَوْسَقَ: منظم شد، سامان  
 یافت. (الرائد)

حِرْتُمْ: حَارَ بَصْرُهُ حَيْرًا، وَحَيْرَةً، وَحَيْرَانًا: نَظَرَ إِلَى الشَّيْءِ فَلَمْ يَقْوَعْ النَّظَرَ إِلَيْهِ وَازْتَدَّ عَنْهُ: وَفُلَانٌ:  
 ضَلَّ سَبِيلَهُ. وَيُقَالُ: حَارَ فِي الْأَمْرِ. وَالْمَاءُ: اجْتَمَعَ وَدَارَ. فَهُوَ حَائِرٌ وَحَيْرَانٌ، وَهِيَ حَيْرَى. (ج): حَيَارَى  
 (الوسيط، ماده: ح ي ر) حِرْتُمْ: سرگشته شدید، متحیر شدید.

نَكَصْتُمْ: نَكَصَ يَنْكُصُ وَيَنْكِصُ وَنَكَصَ فُلَانٌ عَنِ الْأَمْرِ وَنَكَفَ بِمَعْنَى وَاجِدًا أَحْجَمًا. وَنَكَصَ  
 عَلَى عَقْبِيهِ: رَجَعَ عَمَّا كَانَ عَلَيْهِ مِنَ الْخَيْرِ. وَنَكَصَ الرَّجُلُ يَنْكِصُ: رَجَعَ إِلَى خَلْفِهِ (لسان، ماده: ن ك  
 ص) نَكَصْتُمْ: میدان خالی کردید، عقب نشینی کردید. (الرائد)

#### ترجمه متن

«دعوت مرا بی پاسخ گذاشته و ناله ام را نشنیده می گیرید؟! این درحالی است که شما (ای انصار!)  
 به جنگ آوری و قدرت مشهور اید و به خیر و نیکی معروف اید و از چهره های سرشناس و خوش سابقه  
 عرب هستید و (در کنار پدرم) با اعراب جاهل و دشمنان اسلام جنگیدید و رنج های فراوانی را متحمل  
 شدید و مردانه در مقابل دشمن و وحشیان عرب ایستادید و آنها را دور راندید. هر دستوری که ما  
 می دادیم، اطاعت می کردید و انجام می دادید؛ تا آنجا که حرکت اسلام، به توسط ما (و شما) نظام  
 اسلامی شکل یافت و شیر در پستان آن جریان پیدا کرد و عربده های مشرکان فروکش نمود و هیجان





کذب (و نفاق) و آتش کفار آرام گشت و آشوب و جنجال فرو نشست و نظام دین استوار گشت. پس به کجا بر می‌گردید، با آن که راه را شناخته اید؟ و چه چیز را کتمان می‌کنید، پس از آن که حقیقت را دریافته اید؟ و چرا به عقب بر می‌گردید، پس از آن که جلو رفته بودید؟ و پس از آن که ایمان آورده اید، دوباره شرک می‌ورزید؟ آیا با عهدشکنانی که عزم بر اخراج رسول الله ﷺ را از شهر داشته و با شما نیز سر جنگ دارند، پیکار نمی‌کنید و آیا از آنها می‌ترسید؟ اگر از خداوند بترسید و امر او را اطاعت کنید، سزاوارتر است و البته اگر ایمان به خدا داشته باشید. و بدانید که عاقبت همه کارها به دست اوست».

### ج. اسالیب بلاغی

استفهام توییحی و تنبیهی: در عبارت شریفه «أَأَهْضَمُ ثَرَاتَ أَبِي؟ وَ أَنْتُمْ بِمَرَأَى مَتَى وَ مَسْعٍ...»، استفهام با هدف سرزنش و نکوهش، و تنبیه و توجه دادن بر اشتباه و خطا مخاطبان ذکر گردیده است. جناس اشتقاق: بین واژگان «الْعَدَدِ، الْعُدَّةِ»، «التُّخْبَةُ، التُّخْبَتِ»، «الْخَيْرَةُ، الْخَيْرَتِ»، «تَبْرَحُ، تَبْرَحُونَ» و «نَأْمُرُكُمْ، فَتَأْتِمُرُونَ» جناس اشتقاق وجود دارد. جناس به همانندی دو لفظ در گفتار و ناهمانندی آنها در معنا گفته می‌شود که به دو گونه لفظی و معنوی تقسیم می‌گردد (هاشمی، ۱۳۸۶: ۳۴۹).

آرایه سجع یا «تسجیع»: بدین گونه است که گوینده، سخن خود را با «سجع» بیان کند، بدین گونه که واژه‌های پایانی دو یا چند جمله را از نظر وزن یا حروف آخر کلمه یا هر دو همانند سازد. سجع مطرف: آرایه سجع مطرف، آن است که واژگان در حرف روی، یکی، ولی در وزن، مختلف باشند.

بین واژگان «الکِفاح، الصَّلَاح»، «تَبْرَحُونَ، تَأْتِمُرُونَ»، «الإِسْلَام، الأیام» و «الْبیان، الإِعلان» سجع مطرف وجود دارد.

سجع مرصع: در سجع مرصع، دو فاصله به لحاظ وزن و قافیه همسان، و هر کلمه‌های در وزن و قافیه، مقابل قرینه خود است.

در عبارات شریفه «وَ نَاطِحْتُمُ اللَّأْمَمَ، وَ كَافِحْتُمُ الْبُهْمَ» و «وَ خَضَعَتْ نُعْرَةُ الشَّرْكَ، وَ سَكَنْتْ فَوْزَةَ الإِفْكَ» سجع مرصع وجود دارد.

سجع متوازی: سجع متوازی، آن است که کلمات در وزن و حرف هر دو، مطابق باشند. زیباترین سجع، سجع متوازی است. زیرا لطف آرایه‌های لفظی بدیع، بسته به موسیقی و آهنگی است که واژه‌ها به کلام می‌بخشند و این در سجع متوازی بیشتر است.

بین واژگان «مَسْمَع، مَجْمَع»، «العَرَب، التَّعَب»، «فَلَا تُجِيبُونَ، فَلَا تُغِيثُونَ» و «الشَّرْكَ، الإِفْكَ» سجع متوازی وجود دارد.

مراعات نظیر: در اصطلاح ادبی و بدیع، مراعات نظیر آن است که شاعر یا نویسنده در شعر یا نثر خود کلماتی را به کار گیرد که با هم نسبتی و مناسبتی داشته باشند. بین واژگان «الأداة، القُوَّة، السَّلاح، الجُنَّة» تناسب هست.

ترصیع: آن است که کلمات مصراعی با مصراع دیگر یا جمل‌های با جمله دیگر، در وزن و حروف پایانی یکسان باشد.

بین عبارات شریفه «ثَوَافِكُمْ المَدْعُوَّةُ فَلَا تُجِيبُونَ، تَأْتِيكُمْ الصَّرْحَةُ فَلَا تُغِيثُونَ»، «وَأَسْرَزْتُمْ بَعْدَ الإِغْلَانِ، وَنَكَصْتُمْ بَعْدَ الإِقْدَامِ، وَأَشْرَكْتُمْ بَعْدَ الإِيْمَانِ» ترصیع می‌باشد.

موازنه: آرایه موازنه در علم بدیع، آوردن کلمات هموزن در دو مصراع از شعر یا دو پاره از نثر است، به گونه‌ای که همه کلمات قرینه یا اکثر آنها با یکدیگر هم وزن باشند.

بین واژگان «الخُبْرَةُ، العُدَّة، القُوَّة، الجُنَّة» و «الإعلان، الإقدام، الإیمان» موازنه وجود دارد. استعاره مکنیه: هرگاه شاعر یا نویسندگانی مشبیه را در کنار یکی از ارکان و ویژگی‌های مشبیه بیاورد، از صنعت استعاره مکنیه یا استعاره کنای‌های استفاده کرده است.

در عبارت شریفه «حَتَّى إِذَا دَارَتْ بِنَا رَحَى الإِسْلَامِ»، اسلام به آسیاب تشبیه شده است که به سبب فداکاری‌های پیامبر ﷺ، حضرت علی علیه السلام، اهل بیت علیهم السلام و تمامی مسلمانان، به چرخش و حرکت در آمده است. در این عبارت، آسیاب حذف گردیده و یکی از ملزومات آن که سنگ آسیاب «رَحَى» می‌باشد، ذکر گردیده است.

تشبیه ضمنی: تشبیه ضمنی، تشبیه مخفی و غیرصریح است.

حضرت زهرا علیها السلام در عبارت شریفه «حَتَّى إِذَا دَارَتْ بِنَا رَحَى الإِسْلَامِ»، پیشرفت‌ها و پیروزی‌های اسلام را به سرازیر شدن شیر در پستان تشبیه فرموده‌اند. (منتظری، ۱۳۷۴: ۱۸۸) و نیز در عبارت شریفه «حَمَدَتْ نِيرانُ الكُفْرِ»، کفر و بی‌ایمانی به آتشی تشبیه شده که توسط دلاوری‌های انصار خاموش گشته است. کنایه از صفت: «کنایه از صفت» از اقسام کنایات، و آن کنای‌های است که با آن، خود صفت خواسته می‌شود و مقصود صفت معنوی است. واژه «حَلْب» در عبارت شریفه «حَلْبُ الأَيَّامِ» کنایه از برکات و وسعت رزق است (پورسید آقایی، ۱۳۹۱: ۴۱۹).

در خطبه فدکیه دخت نبی اکرم ﷺ در مقام هشدار نسبت به واپسگرایی و فتنه هستند. پس از آن پیشرفت شگفت‌انگیز، چرا عقب‌گردد؟ پس از آن ایمان و باور، چرا شرک و تردید؟ پس از آن جنبش و خیزش برای عدالت و آزادی، چرا اسارت‌پذیری؟



## د. شرح خطبه

در این فراز از خطبه در خطاب به انصار این گونه فرمودند که شما کسانی هستید که به دلیری، دلاوری، خوبی و شایستگی معروف‌اید. شما کسانی هستید که در میان همه مسلمانان به‌عنوان نخبگان و برگزیدگان ما اهل بیت علیهم‌السلام شناخته می‌شوید. حضرت با بیان این نکات قصد دارند از همه عوامل برای ارشاد آنها استفاده کنند؛ یعنی هم منطق عقلی، هم منطق شرعی و هم منطق عاطفی را به کار می‌گیرند. این فرازها بیشتر جنبه تحریک عواطف آنها را دارد. حضرت در ادامه برای تشجیع آن‌ها، گذشته‌شان را یادآور شده و خدماتی را که به اسلام کردند، بر می‌شمارند.

«قاتلتم العرب وتحملتم الكد والتعب»؛ شما با جامعه عرب جنگیدید. البته انصار خود عرب بودند. از این جا معلوم می‌شود که مسأله ناسیونالیسم مطرح نیست، بلکه مهم حق و باطل است. حضرت می‌فرماید: شما جمعیت محدودی هستید که با انبوه عرب‌هایی که منحرف و دشمن اسلام بودند، به قتال برخاستید و در این راه هر گونه زحمت و سختی را تحمل کردید. «وناطحتم الأمم وكافحتم البهم»؛ وقتی حیواناتی که شاخ جنگی دارند با شاخ با همدیگر می‌جنگند، می‌گویند «مناطحه» می‌کنند. حضرت می‌فرماید: شما شاخ به شاخ با عرب‌های مشرک و مخالف اسلام رو در رو شدید و با آنها جنگیدید. با قهرمانان دست و پنجه نرم کردید و دلاوران با آنها مبارزه کردید. «لا نبرح أو تبرحون نأمرکم فتأتمرون حتی إذا دارت بنا رحی الإسلام»؛ ما و شما از هم جدا نمی‌شدیم و تا زمانی که شما نمی‌آمدید ما نمی‌رفتیم، اما در چارچوب فرمانده و فرمانبر. ما به شما امر می‌کردیم و شما فرمان می‌بردید و می‌پذیرفتید، تا این که آسیاب اسلام به دست ما به چرخش در آمد.

«وَدَّرَ حَلَبَ الْأَيَّامِ وَ حَصَّعَتْ تَغْرَةَ الشُّرُوكِ وَ سَكَنْتْ فَوْزَةَ الْإِفْكِ وَ حَمَدَتْ نِيزَانَ الْكُفْرِ وَ هَدَّاتْ دَعْوَةَ الْهَرَجِ وَ اسْتَوْسَقَ نِظَامُ الدِّينِ»؛ فرمایشات حضرت تعبیرات ادبی بسیار زیبایی است. حضرت در این فراز، ایام گذشته صدر اسلام تا آن روز را به حیوان شیردهی تشبیه می‌فرماید که ابتدا پستانش خشک بوده و شیر نمی‌داده است و هنگامی که بچه‌دار می‌شود، پستان‌هایش پر از شیر می‌شود. ایشان می‌فرماید: شیر این روزگار به ثمر رسید و فراوان شد و صدای گوش خراش شرک آرام گرفت و جوشش دروغ و بهتان فروکش کرد؛ یعنی در ابتدا مشرکان هر نوع تهمت و بهتانی به مسلمانان، حتی به شخص پیغمبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم می‌زدند؛ کاری که همیشه شیاطین انس و جن برای مغلوب کردن طرف مقابلشان انجام می‌دهند. حضرت خطاب به انصار می‌فرماید: شما آن قدر به دستور جنگیدید تا نعره شرک خاموش شد و جوشش تهمت‌ها و دروغ‌ها فروکش کرد. آتش‌های کفر به خاموشی گرایید و کسانی هم که دعوت به فتنه‌انگیزی و هرج و مرج می‌کردند، آرام شدند و نظام دین سامان گرفت. این‌ها کارهایی بود که شما با

راهنمایی ما انجام دادید. شما این زحمات را متحمل شدید، جنگ‌ها کردید و فداکاری‌ها نمودید تا درخت اسلام بارور شد و آسیاب اسلام به چرخش در آمد؛ یعنی حکومت و دولت اسلامی برقرار شد. پس چه شد آن سابقه طلائی؟

«فَأَنَّى حُرْتُمْ بَعْدَ الْبَيَانِ وَ أَسْرَزْتُمْ بَعْدَ الْإِعْلَانِ وَ نَكَصْتُمْ بَعْدَ الْإِقْدَامِ»؛ بعد از این که دولتی مقتدر و عزتمند بر سر کار آمد، چه طور شما به حیرت و سرگردانی برگشتید؟ بعد از بیان حق و آشکار شدن آن، چرا متحیر شدید که چه کنید؟ بعد از آن که آشکارا از اسلام و از ما اهل بیت علیهم‌السلام حمایت کردید، چگونه به پنهان‌کاری رو آوردید و جلسات خصوصی تشکیل داده و بر علیه ما توطئه‌ها می‌چینید؟ چه شد که بعد از به میدان آمدن و اقدام عملی، عقب‌نشینی کردید؟

«وَ أَشْرَكْتُمْ بَعْدَ الْإِيمَانِ بُؤْسًا لِقَوْمٍ نَكثُوا أَيْمَانَهُمْ مِنْ بَعْدِ عَهْدِهِمْ «وَ هُمُؤَا يَاخْرَاجَ الرَّسُولِ وَ هُمْ بَدُّوْكُمْ أَوَّلَ مَرَّةٍ أَ تَحْشَوْنَهُمْ قَالَهُ أَحَقُّ أَنْ تَحْشَوْهُ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ»؛ این عبارات از آن عبارات بسیار کوبنده است. حضرت خطاب به مسلمانانی که انصار اسلام بودند و خدمات فراوانی به اسلام ارائه دادند و به تعبیر خود حضرت اصلاً به کمک آنها نظام اسلامی پا گرفت، می‌فرمایند: «حال، بعد از ایمان مشرک شدید؟!» روشن است که این شرک، بت‌پرستی نیست؛ چرا که در آن زمان کسی بت‌پرستی نکرد. این همان شرکی است که قرآن درباره آن می‌فرماید: «اتَّخَذُوا أَحْبَارَهُمْ وَرُهْبَانَهُمْ أَرْبَابًا مِنْ دُونِ اللَّهِ» (التوبه: ۳۱) یهود و نصارا سرکردگان خویش را به‌عنوان رب اتخاذ کردند و به جای این که خدا را رب خود بدانند، تن به ربوبیت بزرگان خود دادند. یعنی قبول اوامر غیر خدا، شرک تشریعی است. مثلاً پذیرفتن حکومت ناحق نوعی شرک است. موحد باید فقط خدا را رب بداند و از او اطاعت کند. اگر بی‌دلیل از دیگری به گونه‌ای اطاعت کند که منتهی به اطاعت خدا نباشد، نوعی شرک است.

حضرت زهرا علیها‌السلام در ادامه، باز تعبیر تندی بکار می‌برند که البته به‌طور صریح آنها را خطاب قرار نمی‌دهد، اما روشن است که مصداقش چه کسی می‌تواند باشد. حضرت می‌فرمایند: وای بر مردمی که بعد از این که با خدا عهد بستند، پیمان‌شکنی کردند. بعد آیه‌ای از قرآن را اقتباس می‌کنند که درباره کفاری است که با خدا و پیغمبر عهد بستند و بعد عهدشان را شکستند و دوباره به کفر گراییدند. این اقتباسات از آیات در این جا به خاطر نکته‌های مشترکی است که در این عبارات وجود دارد. آن مشرکانی که عهد کردند از خدا و پیغمبر فرمان‌برداری کنند و بعد پیمان‌شان را شکستند، همان کسانی بودند که پیغمبر را آواره کردند و به مبارزه با حق پرستان برخاستند. حضرت می‌خواهند بفهمانند که: چرا در مقابل چنین کسانی که شما را آواره کردند و شروع کننده جنگ با شما بودند، ساکت هستید، آیا از آنها می‌ترسید؟ اگر اهل ایمان باشید باید تنها از خدا بترسید. آنها هر چه قدرت داشته باشند؛ اولاً، جمعیت



شما خیلی بیشتر از آن‌هاست و آن‌هایی که در صدد این کار برآمدند چند نفری بیشتر نبودند. شما می‌توانستید با آنها همکاری نکنید. ثانیاً، می‌توانستید آنها را سر جای شان بنشانید؛ چرا که نیرو و سلاح دست شما بود. می‌توانستید شمشیر بکشید و جلوی آنها را بگیرید. این فرمایش اشاره است به این که در چنین موقعیت‌هایی نباید از طرف مقابل ترسید، بلکه باید در هر شرایطی از حق حمایت کرد که در این صورت خدا هم ما را یاری خواهد کرد.

در این فرازا چند نکته برجسته وجود دارد: اول این که مسأله یاری دین حق آن قدر جدی است که در صورت غفلت سرانجامی جز شرک ندارد. گرچه حضرت مسأله ارث را مطرح کرده‌اند، اما این بهانه‌ای است برای این که به آنها بگویند: «شما از مسیر اسلام منحرف شدید، پیمان‌تان را با خدا و پیغمبر شکستید و احکام خدا را زیر پا گذاشتید». این کلام حضرت هشدار است به این نکته که اگر انسان نسبت به این‌گونه مسائل اجتماعی بی‌تفاوت بوده، حساسیت نداشته و عافیت طلب باشد، چنین مسیری انسان را به شرک و به خروج از دین می‌کشاند و اگر به کفر ظاهری سیر ندهد، منجر به کفر باطنی خواهد شد.

وقتی انسان عهد و پیمانی را که با خدا بسته است زیر پا گذاشت، دیگر چه ضمانتی برای سایر تعهدات وی باقی می‌ماند؟ همه مخاطبان حضرت با کسی بیعت کردند که خدا تعیین کرده بود؛ یعنی عهد و پیمان بستند که با مال و جانشان از او حمایت کنند و او را جانشین پیغمبر بدانند. وقتی چنین عهدی با این تشریفاتی که در غدیر انجام شد، فراموش شود، سایر عهد و پیمان‌ها چه ضمانتی خواهد داشت؟ این مسیری است که وقتی کسی با آن زاویه پیدا کرد، به سقوط منتهی خواهد شد. وقتی کسانی که در طول بیست و سه سال آرام آرام از کوهپایه‌ای بالا رفتند، به قله کوه نزدیک شدند و به اوج عزت، اقتدار و شرف رسیدند، اما همه خدماتی که به آنها شد را فراموش کنند، اولین عیب‌شان کفران نعمت الهی است.

مخاطبان حضرت کسانی بودند که به برکت پیامبر اکرم ﷺ هم شرف ظاهری یافتند (یعنی بعد از آن فضاحت، فقر، برادرکشی، دخترکشی و فسادهای متعددی که در آن زندگی می‌کردند، تبدیل به یک امت شرافت‌دار و الگو برای کشورهای دیگر شدند) و هم شرافت باطنی و تیرگی‌های کفر و شرک از دل‌هایشان زدوده شد و نور ایمان و معرفت به خدا، فرشتگان و انبیا در دلشان تابید. چه شرفی از این بالاتر می‌توان تصور کرد؟ چه خدمتی بالاتر از خدمتی که پیامبر اسلام به مردم عرب کرد، می‌توان فرض کرد؟ اکنون نیز برای بقای این عزت و شرف ظاهری و باطنی، خدا بر آنها منت گذاشته و پس از رحلت رسول اکرم ﷺ کسی که نسخه بدل پیامبر بوده را به آنها معرفی کرده است. آیا شایسته است که همه این نعمت‌ها را فراموش کنند و بگویند: بله، پیامبر این خدمات را انجام داد، اما اکنون با رحلت او این زحمات تمام شد و ما خود باید برای جامعه‌مان رئیس تعیین کنیم و مردم‌سالار باشیم.

این مسیری است که اولین عیبش، هم کفران نعمت خدا است، هم کفران نعمت پیامبر که رعایت اهل بیتش را نکردند و پیمانش را شکستند و هم کفران نعمت اهل بیت است؛ به خصوص شخص امیرالمؤمنین (علیه السلام) که بهترین جانشین شایسته برای پیامبر بود. آیا رواست که همه این‌ها را به خاطر توهماتی یا برای بعضی منافع مادی فراموش کنند؟ آنها می‌دیدند که اگر علی سر کار باشد، مانع سوء استفاده‌های آنها خواهد شد. پارتی‌بازی، خویش و قوم‌بازی و بلندبازی تعطیل می‌شود. آنها با این غفلت، عزت و افتخار دنیا و آخرت و شرف انسانی‌شان را از بین بردند. اولین شرف یک انسان، پای بندی به عهد و پیمان است. بالاترین ارزش عام اجتماعی که در تمام ملل و اقوام و در تمام نژادها معتبر شمرده می‌شود، وفای به پیمان است. اگر این تعهد نباشد جامعه به هرج و مرج کشیده می‌شود (مصباح یزدی، ۱۳۹۵: ۴۵).

## ۷. روابط بینامتنی خطبه فدکیه با قرآن

نگاه گذرا به خطبه فدکیه مبین آن است که این خطبه با تکیه بر مصدر قرآن بیان شده است و انواع مختلف روابط بینامتنی با قرآن در آن تجلی یافته است. در این بخش، انواع این روابط مورد بررسی و تحلیل قرار می‌گیرد.

متن حاضر: کل فراز منتخب خطبه

متن غایب: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا مَالِكُمْ إِذَا قِيلَ انْفِرُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ اتَّقُوا إِلَى الْأَرْضِ أَرْضَيْتُمْ بِالْحَيَاةِ الدُّنْيَا مِنَ الْآخِرَةِ فَمَا مَتَاعُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا فِي الْآخِرَةِ إِلَّا قَلِيلٌ» (التوبة، ۳۸)

روابط بینامتنی: نوع رابطه تناس امتصاصی است. حضرت از مضمون و هدف متن قرآن الهام گرفته و آن را در ساختار جدید به کار گرفتند، بدون این که ذکر صریحی از آن داشته باشند. در این فراز ریحانه ژرف نگر پیامبر از آفت‌ها و عوامل انحطاط و سقوط و فرجام واپسگرایی؛ دلسوزانه، طبیعانه و پیامبرانه هشدار داد و در این میدان به روشنگری پرداخت.

متن حاضر: «أَلَا تَتَّقَاتُونَ قَوْمًا نَكُتُوا أَيْمَانَهُمْ وَ هُمُوا بِإِخْرَاجِ الرَّسُولِ وَ هُمْ بَدُوكُمْ أَوَّلَ مَرَّةٍ أَ تَخْشَوْنَهُمْ قَالَ اللَّهُ أَحَقُّ أَنْ تَخْشَوْهُ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ».

متن غایب: «أَلَا تَتَّقَاتُونَ قَوْمًا نَكُتُوا أَيْمَانَهُمْ وَ هُمُوا بِإِخْرَاجِ الرَّسُولِ وَ هُمْ بَدُوكُمْ أَوَّلَ مَرَّةٍ أَ تَخْشَوْنَهُمْ قَالَ اللَّهُ أَحَقُّ أَنْ تَخْشَوْهُ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ» (التوبة: ۱۳)

در آیه بعد برای تحریک مسلمانان و دور ساختن هر گونه سستی و ترس و تردید در این امر حیاتی از روح و فکر آنها می‌گوید: چگونه شما با گروهی پیکار نمی‌کنید که پیمانهایشان را شکستند (مکارم



شیرازی، ۱۳۷۴: ۳۰۴/۷). اگر به راستی به عقاب و ثواب خدا ایمان دارید، خدای تعالی سزاوارتر است که به خاطر واگذار کردن دستوری که در کار زار با آنها داده و ترک آن، از عقابش ترس و بیم داشته باشید. بهتر است از خدا ترس داشته باشید، نه از دیگران، در صورتی که خدا داناتر و حکمش والاتر است (طبرسی، ۱۳۶۰: ۳۲/۱۱). در آخر این معنا را خاطر نشان می‌سازد که شما مورد امتحان خدا قرار گرفته‌اید، و باید از نظر خلوص نیت و قطع پیوندهای دوستی و فامیلی با مشرکان از امتحان در آئید، تا به آن اجرهایی که مخصوص مؤمنان واقعی است نائل شوید (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۲۱۳/۹).

روابط بینامتنی: حضرت زهرا علیها السلام به منظور تحریض به این آیه استناد کرده‌اند. در این جا نوع رابطه اقتباسی کامل منحص است و دقیقاً آیه بدون هیچ تغییری در خطبه مورد استناد واقع شده است. متن حاضر: «فَلَا تُجِيبُونَ».

متن غایب: «الَّذِينَ اسْتَجَابُوا لِلَّهِ وَالرَّسُولِ مِنْ بَعْدِ مَا أَصَابَهُمُ الْقَرْحُ الَّذِينَ أَحْسَنُوا مِنْهُمْ وَاتَّقُوا أَجْرٌ عَظِيمٌ» (آل عمران: ۱۷۲).

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَجِيبُوا لِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ إِذَا دَعَاكُمْ لِمَا يُحْيِيكُمْ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يَحُولُ بَيْنَ الْمَرْءِ وَقَلْبِهِ وَأَنَّهُ إِلَيْهِ تُحْشَرُونَ» (الانفال: ۲۴).

«الرِّبِّهِمُ الْحُسْنَىٰ وَ الَّذِينَ لَمْ يَسْتَجِيبُوا لَهُ لَوْ أَنَّ لَهُمْ مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا وَمِثْلَهُ مَعَهُ لَافْتَدَوْا بِهِ أُولَئِكَ لَهُمْ سُوءُ الْحِسَابِ وَمَأْوَاهُمْ جَهَنَّمُ وَ يَنْسَوْنَ الْمِهَادِ» (الرعد: ۱۸)

«فَإِنْ لَمْ يَسْتَجِيبُوا لَكَ فَاعْلَمْ أَنَّمَا يَتَّبِعُونَ أَهْوَاءَهُمْ وَ مَنْ أَضَلُّ مِمَّنْ اتَّبَعَ هَوَاهُ بِغَيْرِ هُدًى مِنَ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ» (التقصص: ۵)

مومن هنگامی که حرفی شنید، در قلبش تثبیت می‌شود و اجابت می‌کند و به آن ایمان و باور دارد (قمی، ۱۳۶۳: ۳۶۳/۱).

روابط بینامتنی: در این بخش نوع رابطه اقتباس جزئی است. و در حد یک کلمه (استجابت) در متن حاضر مورد استعمال واقع شده است.

متن حاضر: «التَّجِبَةُ الَّتِي اتَّجِبْتُ، وَ الْحَيْرَةُ الَّتِي اخْتِيرْتُ».

متن غایب: «إِذَا السَّمَاءُ انشَقَّتْ وَ أَدْنَتْ لِرَبِّهَا وَ حُفَّتْ وَ إِذَا الْأَرْضُ مُدَّتْ وَ أَلْقَتْ مَا فِيهَا وَ تَخَلَّتْ وَ أَدْنَتْ لِرَبِّهَا وَ حُفَّتْ» (الانشقاق: ۱-۵).

روابط بینامتنی: در این قسمت نوع رابطه تناص اسلوبی است و حضرت با همان سجع و آهنگ موزون قرآن کریم، خطبه‌ای قراء ایراد فرمودند.

متن حاضر: «قَاتَلْتُمُ الْعَرَبَ».

متن غایب: ﴿وَ قَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ الَّذِينَ يقاتِلُونَكُمْ وَ لَا تَعْتَدُوا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ﴾  
(بقره: ۱۹۰ و ۱۹۱ و ۱۹۳ و ۲۴۴؛ نساء: ۷۴ و ۷۵ و ۷۶ و ۸۴؛ انفال: ۶۵؛ توبه: ۱۴ و ۲۹ و ۱۲۳).

روابط بینامتنی: در اینجا نوع رابطه اقتباس جزئی است و کلمه (قاتل) به شکل (قاتلتم) در متن خطبه مورد استعمال واقع شده است.

متن حاضر: ﴿وَ تَحَمَّلْتُمُ الْكُذَّ وَ التَّعَبَ﴾.

متن غایب: ﴿يَأَيُّهَا الْإِنْسَانُ إِنَّكَ كَادِحٌ إِلَى رَبِّكَ كَدْحًا فَمَلَأْ قِيَهَ﴾ (الانشقاق: ۶)

راغب گفته کلمه «کدح» به معنای تلاش کردن و خسته شدن است (مفردات راغب، ماده کدح).  
پس در این کلمه معنی سیر است (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۴۰۱/۲۰) کدح سعی در مشیت است  
(صعیدی، ۱۴۱۰: ۱۲۰۵/۲) و جهد و تلاش همراه با استمرار می باشد (مصطفوی، ۱۴۱۶: ۳۰/۱۰).

روابط بینامتنی: نوع رابطه در این قسمت، کامل محوری یا نفی کلی است و با تغییر کلی در متن حاضر به کار گرفته شده است.

متن حاضر: ﴿أَسْرَرْتُمْ بَعْدَ الْإِعْلَانِ﴾.

متن غایب: ﴿وَ أَنَا أَعْلَمُ بِمَا أَخْفَيْتُمْ وَ مَا أَعْلَنْتُمْ﴾ (الممتحنه: ۱).

روابط بینامتنی: نوع رابطه اقتباس جزئی و نفی متوازی هست و واژه اعلان از (اعلنتم) گرفته شده است، و این سبک استعمال در آیات قرآن به کار برده شده است.

متن حاضر: ﴿أَشْرَكْتُمْ بَعْدَ الْإِيمَانِ﴾.

متن غایب: ﴿اتَّخَذُوا أَحْبَابَهُمْ وَ رُهْبَانَهُمْ أَرْبَابًا مِنْ دُونِ اللَّهِ وَ الْمَسِيحَ ابْنَ مَرْيَمَ وَ مَا أُمِرُوا إِلَّا لِيَعْبُدُوا إِلَهًا وَاحِدًا لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ سُبْحَانَهُ عَمَّا يُشْرِكُونَ﴾ (التوبه: ۳۱).

قانونگذاری مخصوص خدا است و هیچ کس جز او حق ندارد چیزی را برای مردم حلال و یا حرام کند و قانونی بگذارد؛ تنها کاری که انسان‌ها می‌توانند انجام دهند، کشف قوانین الهی و تطبیق آن بر مصادیق مورد نیاز است. بنابر این، اگر کسی اقدام به قانونگذاری بر ضد قوانین الهی کند، و کسی آن را به رسمیت بشناسد و بدون چون و چرا بپذیرد، مقام خدا را برای غیر خدا قائل شده است، و این یک نوع شرک عملی و بت پرستی و به تعبیر دیگر، پرستش غیر خدا است. از قرائن چنین بر می‌آید که یهود و نصارا گاهی قوانین الهی را به صلاحدید خود تغییر می‌دادند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۳۶۶/۷) و در این فراز حضرت زهرا علیها السلام به این شرک عملی اشاره دارند.

روابط بینامتنی: در این نوع رابطه، اقتباس، اقتباس جزئی و نفی متوازی است و واژه «أَشْرَكْتُمْ» از «عَمَّا يُشْرِكُونَ» آیه ۳۱ سوره توبه گرفته شده است.





متن غایب: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن تَطِيعُوا فَرِيقًا مِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ يَرُدُّوكُمْ بَعْدَ إِيمَانِكُمْ كَافِرِينَ﴾ (آل عمران: ۱۰۰) ممکن است منظور از کفر، همان عداوت‌ها و دشمنی‌های دوران جاهلیت باشد که آن خود یکی از شعبه‌ها و نشانه‌های کفر محسوب می‌شود؛ چه این که ایمان سرچشمه محبت و برادری است، و کفر سرچشمه پراکندگی و عداوت است. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ۳، ۲۳)  
روابط بینامتنی: نوع رابطه، اقتباس جزئی و نفی متوازی است و اشکرتم بعد الایمان، به همان آیه ۱۰۰ آل عمران اشاره دارد.

متن حاضر: ﴿فَأَنَّى حُزْنُمْ بَعْدَ الْبَيَانِ﴾.

متن غایب: ﴿إِنَّمَا يَسْتَأْذِنُكَ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَ ارْتَابَتْ قُلُوبُهُمْ فَهُمْ فِي رَيْبِهِمْ يَتَرَدَّدُونَ﴾ (التوبة: ۴۵).

رابطه بینامتنی: نوع رابطه، کامل محور یا نفی کلی است و با تغییر کلی در متن حاضر به کار گرفته شده است. شک آفتی است که همواره انسان مومن را تهدید می‌کند و به همین جهت مومن باید همواره خود را از این آفت حفظ کند که به آن مبتلا نشود. شک و حیرت موجب نابودی ایمان و حیات معنوی است.

## نتیجه گیری

کلام گهربار و ارزشمند حضرت زهرا<sup>علیها السلام</sup>، حقایقی نشأت گرفته از سرچشمه زلال وحی است. با بررسی دیدگاه مقام معظم رهبری و بازخوانی خطبه فدکیه، خوشایند بودن الفاظ رسا در نثر حضرت زهرا<sup>علیها السلام</sup> و شگفتی مضامین و مفاهیم شفافبخش و گسترده معانی کامل آن، مزید بر طراوت، جلال، شکوه، فرازمندی و آرایشی است که به خوبی مشاهده می شود و کلام این بانوی فرزانه و اندیشمند را در میان نثر دوره اسلام ممتاز کرده است. تناسب کلام حضرت با مقتضای حال مخاطبان در جای جای کلام ایشان، اعتبار خاصی به کلام بخشیده است. از آن جا که هر بخش از سخنان حضرت زهرا<sup>علیها السلام</sup> «خطب، ادعیه و حکم» با هدف خاصی بیان گردیده است، نوع اسالیب بلاغی هر بخش از کلام این بانوی بزرگوار با عنایت به شرایط ارائه و مخاطبان، با یکدیگر تفاوت چشمگیری دارد. فراوانی استعمال اقتباس از آیات قرآنی یا نقل مستقیم از آیات کریمه در نثر حضرت زهرا<sup>علیها السلام</sup>؛ به خصوص خطبه های ایشان، نشان دهنده احاطه کامل این بانوی بزرگوار و فرزانه بر آیات قرآن کریم است. در میان کلام گهربار حضرت زهرا<sup>علیها السلام</sup> خطبه فدکیه از جایگاه ویژه ای برخوردار است. این خطبه گرانبها در نهایت فصاحت و بلاغت و همراه با صور بیان و بدیع است.



## فهرست منابع

۱. قرآن کریم.
۲. ابن منظور، ابوالفضل جمال‌الدین بن مکرم، لسان العرب، بیروت: دار و صادر، ۱۹۹۷م.
۳. انیس، ابراهیم و همکاران، المعجم الوسیط، چاپ چهارم، قم: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۲ش.
۴. بتیس، محمد، الشعر العربی الحدیث، المغرب: دارتوبقال، ۱۹۹۷م.
۵. پورسید آقایی، سیدمسعود، چشمه در بستر، تحلیلی از زمان شناسی حضرت زهرا علیها السلام، چاپ هفتم، قم: نشر حضور، ۱۳۹۱ش.
۶. جمعه، حسن، التقابل جمالی فی النص القرآنی، دمشق، دارالنمیر، ۲۰۰۵م.
۷. خامنه‌ای، سید علی، بیانات در دیدار جمعی از مداحان، Khamenei. ir. 1/3/1389.
۸. خامنه‌ای، سید علی، بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار جمعی از طلاب، Khamenei. ir. 17/10/1369.
۹. خامنه‌ای، سید علی، بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار جمعی از مسئولین، Khamenei. ir. 25/9/1371.
۱۰. خامنه‌ای، سید علی، بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار جمعی از مداحان، Khamenei. ir. 25/6/1371.
۱۱. خمینی، سید روح‌الله، آخرین شب مراسم عزاداری حضرت فاطمه زهرا علیها السلام در حسینیه. Khamenei. Ir. ۱۳۹۶/۱۲/۳.
۱۲. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات ألفاظ القرآن، محقق/مصحح: داوودی، صفوان عدنان، بی‌تا.
۱۳. الزبیدی، محمد مرتضی، تاج العروس من جواهر القاموس، بیروت: دار و مکتبه حیات، بی‌تا.
۱۴. صعیدی، عبدالفتاح، موسی، حسن یوسف، الافصاح فی فقه اللغة، قم: مکتب الاعلام الاسلامی، ۱۴۱۰ق.
۱۵. طباطبایی، سید محمد حسین، ترجمه تفسیر المیزان، ترجمه سید محمد باقر موسوی همدانی، چاپ پنجم، قم: نشر دفتر انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۳۷۴ش.
۱۶. طبرسی، فضل بن حسن، ترجمه مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تحقیق رضا ستوده، تهران: نشر فراهانی، ۱۳۶۰ش.

۱۷. عزام، محمد، انس الغائب من منشورات اتحاد الكتاب العرب دمشق، ۲۰۰۱م.
۱۸. قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر القمی، قم: نشر دارالکتاب، ۱۳۶۳ش.
۱۹. کریستوا، ژولیا، کلام مکالمه و رمان، ترجمه پیام یزدانجو، تهران: نشر مرکز، ۱۳۸۱ش.
۲۰. مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، تهران: نشر اسلامی، ۱۳۸۴ش.
۲۱. مصباح یزدی، محمدتقی، رساترین دادخواهی و روشنگری (شرح خطبه حضرت زهراى مرضیه، معروف به خطبه فدکیه، قم: نشر موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی ره، ۱۳۹۱ش.
۲۲. مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، قم: نشر: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۴۲۶ق.
۲۳. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، تهران: نشر دارالکتب الإسلامیة، ۱۳۷۴ش.
۲۴. منتظری، حسینعلی، خطبه حضرت فاطمه زهرا (ع) و ماجرای فدک، قم: نشر بلاغت، ۱۳۷۴ش.
۲۵. موسی، خلیل، قراءات فی الشعر العربی المعاصر، دمشق: اتحاد الكتاب العرب، ۲۰۰۷م.
۲۶. وعدالله، لیدیا، التناس المعرفی فی الشعر عزالدین مناصره، دارالمجدلاوی للنشر و التوزیع، ۲۰۰۵ق.



## Bibliography

1. *Quran-e Karim (The Holy Quran)*.
2. Al-Zubaidi, Mohammad Murtadha, *Taj al-Arus min Jawahir al-Qamus (The Bride's Crown from the Jewels of the Dictionary)*, Beirut: Dar wa Maktabah Hayat, n.d.
3. Anis, Ibrahim et al., *Al-Mu'jam al-Wasit (The Intermediate Dictionary)*, 4th Edition, Qom: Daftar Nashr Farhang e Eslami, 1372 SH (1993 CE).
4. Butis, Mohammad, *Al-Shi'r al-Arabi al-Hadith (Modern Arabic Poetry)*, Morocco: Dar tu Baqal, 1997 CE (1375 SH).
5. Ibn Manzur, Abu al-Fadl Jamal al-Din bin Mukarram, *Lisan al-Arab (The Tongue of the Arabs)*, Beirut: Dar wa Sadir, 1997 CE (1376 SH).
6. Izam, Mohammad, *Al-Nass al-Gha'ib (The Absent Text)*, Publications of the Arab Book Union, Damascus, 2001 CE.
7. Jumah, Hassan, *Al-Taqabul al-Jamali fi al-Nass al-Qurani (Aesthetic Encounter in the Quranic Text)*, Damascus: Dar al-Namir, 2005 CE.
8. Khamenei, Seyyed Ali, *Bayanat dar Didar Jami az Madahan (Speeches in the Presence of Gatherings of Eulogists)*, Khamenei.ir, 1/3/1389 SH (March 21, 2010 CE).
9. Khamenei, Seyyed Ali, *Bayanat e Rahbar e Moazzam e Enqelab dar Didar Jami az Tollab (Speeches of the Supreme Leader of the Revolution in the Presence of Gatherings of Seminary Students)*, Khamenei.ir, 17/10/1369 SH (January 7, 1991 CE).
10. Khamenei, Seyyed Ali, *Bayanat e Rahbar e Moazzam e Enqelab dar Didar Jami az Masoulin (Speeches of the Supreme Leader of the Revolution in the Presence of Gatherings of Officials)*, Khamenei.ir, 25/9/1371 SH (December 16, 1992 CE).
11. Khamenei, Seyyed Ali, *Bayanat e Rahbar e Moazzam e Enqelab dar Didar Jami az Madahan (Speeches of the Supreme Leader of the Revolution in the Presence of Gatherings of Eulogists)*, Khamenei.ir, 25/6/1371 SH (September 16, 1992 CE).
12. Khomeini, Seyyed Ruhollah, *Akherin Shab e Marasem Azadari Hazrat Fatemeh Zahra dar Hosseiniyeh (The Last Night of Mourning Ceremonies for Hazrat Fatemeh Zahra at Hosseiniyeh Imam Khomeini)*, Khamenei.ir, 3/12/1396 SH (February 23, 2018 CE).
13. Kristeva, Julia, *Kalam e Mokalameh va Roman (Speech, Conversation, and Novel)*, Translated by: Payam Yazdanjoo, Tehran: Nashr e Markaz, 1381 SH (2002 CE).
14. Majlisi, Mohammad Baqer, *Bihar al-Anwar (The Seas of Lights)*, Tehran: Nashr e Islamiyyeh, 1384 SH (2005 CE).
15. Makarem Shirazi, Nasser, *Tafsir Nemoneh (The Exemplary Exegesis)*, Tehran: Nashr Dar al-Kutub al-Islamiyyah, 1374 SH (1995 CE).
16. Mesbah Yazdi, Mohammad Taqi, *Rasae-tarin Dadkhoahi va Roshangari (The Most Brilliant Argumentation and Enlightenment); Explanation of the Sermon of Hazrat Zahra (SA), Known as the Fadak Sermon*, Qom: Imam Khomeini Educational and Research Institute, 1391 SH (2012 CE).
17. Montazeri, Hossein Ali, *Khotbeh ye Hazrat Fateme Zahra va Majaray e Fadak (Lady Fatima's Sermon and the History of Fadak)*, Qom: Nashr e Balaghat, 1374 SH (1995 CE).
18. Mousa, Khalil, *Qira'at fi al-Shi'r al-Arabi al-Mo'aser (Perspectives in Modern Arabic Poetry)*, Damascus: Ittihad al-Kutub al-Arabi, 2007 AH (1428 CE).
19. Mustafawi, Hassan, *Al-Tahqiq fi Kalimat al-Quran al-Karim (Investigation into the Words of the Noble Quran)*, Qom: Ministry of Islamic Culture and Guidance, 1426 AH (2005 CE).

20. Pourseyyed Aghaee, Seyyed Masoud, *Cheshmeh dar Bester; Tahlili az Zamanshenasi Hazrat Zahra (Spring from Its Origin)*, Analysis of the Knowledge of Era of Hazrat Zahra (AS), 7th Edition, Qom: Nashr e Hozour, 1391 SH (2012 CE).
21. Qomi, Ali bin Ibrahim, *Tafsir al-Qomi*, Qom: Nashr Dar al-Kitab, 1363 SH (1984 CE).
22. Raghib Isfahani, Hossein bin Mohammad, *Mufradat Alfaz al-Quran (Dictionary of Quranic Words)*, Edited/Corrected by: Davoodi, Safwan Adnan, n.d.
23. Sa'idi, Abdul Fattah, Musa, Hassan Yusuf, *Al-Ifsah fi Fiqh al-Lughah (Elucidation in Philology)*, Qom: Maktab al-Aalam al-Islami, 1410 SH (1991 CE).
24. Tabarsi, Fazl bin Hassan, *Tarjomeh-ye Majma' al-Bayan fi Tafsir al-Quran (Translation of the Compilation of Statements in Quranic Exegesis)*, Researched by: Reza Sotodeh, Tehran: Nashr Farahani, 1360 SH (1981 CE).
25. Tabatabai, Seyyed Mohammad Hossein, *Tarjomeh-ye Tafsir al-Mizan (Translation of the Exegesis of Mizan)*, Translated by Seyyed Mohammad Baqer Mousavi Hamadani, 5th Edition, Qom: Nashr e Dafater e Entesharat e Jame'e ye Modarresin e Howzeh-ye 'Ilmiyeh ye Qom, 1374 SH (1995 CE).
26. Wadallah, Lydia, *Al-Tanasu' al-Ma'arifi fi al-Shi'r Az al-Din Mansourah (Intellectual Engagement in Poetry by Az al-Din Mansourah)*, Dar al-Majdalawi li Awa li-Nashr wa al-Tawzi', 2005 AH (1384 CE).